Online ISSN: 2980-9800
Print ISSN: 2981-0094
Journal of Documentary and Archival Studies
Homepage: https://docs.aqr-libjournal.ir/

Cultural and Religious Changes of Neyshabur during the 1330s SH/1950s AD: The Case of Sedaye Neyshabur Magazine

Peiman Abolbashari[1], **Aghdas Sadat Hosseini**[2]

1. Assistant Professor, Department of Archaeology and History, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. p.abolbashari@neyshabur.ac.ir (Corresponding author)

2. MA in Department of Archaeology and History, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. a.sadat.h.63.90@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 14 April 2025
Received from revised:11 May 2025
Accepted: 24 June 2025
Available online: 26 July 2025

***Keywords*:**
Sedaye Neyshabur Magazine,
Pahlavi II Era,
Religion,
Culture.

Abstract

Pilgrims to the Holy Shrine of Imam Reza (AS) have historically offered various objects, both directly and indirectly, as votive offerings (Nozur). Coins has been a significant part of these offerings. These coins were gold, silver, copper, and other alloys, which varied widely in terms of their minting date and geographic origin, and these factors directly influenced their eventual fate. No systematic research has been done so far to explore methods of these votive coins of the Astan Quds Razavi. This study tried to find an answer for this question: What has been the trajectory of votive coins in the Astan Quds Razavi from the late Qajar period to the Islamic Revolution? Relying on unpublished archival documents, this study showed that during periods when votive collection was leased to contractors, the precise fate of the coins remains undocumented. However, during the deputy custodianship of Pakravan, these coins were formally sold. From 1328 SH (1949) onward, following the minting of commemorative coins for the birth of Imam Reza (AS), damaged and soldered coins provided the raw bullion for new coins. Moreover, votive coins were used in the renovation of sacred doors such as those of Dar al-Siyadah and Payine Pa, and the construction of Zarih. Only a small part of the coins that have significant historical value was selected to be preserved in the numismatic museum. This historical study was done using the administrative documents of the Astan Quds Razavi.

Introduction

The act of pilgrimage to the Holy Shrine of Imam Reza has long been accompanied by the offering of many objects from various cities of world. Financial offerings have been traditionally deposited into the holy Zarih or delivered to the specialized Votive Department. Cash offerings consisted of both banknotes and coins, the latter playing a fundamental role in the economic system of the Qajar and early Pahlavi eras. Therefore, a substantial part of coins from across the Islamic and non-Islamic world have been annually dedicated to the Holy Shrine. Beyond their economic value and material composition, the critical issue is in the fate of these endowments. This study tried to see what happened to these coins. It also tried to understand what specific applications these coins had, and if the historical significance of the coins influences their fate.

Cite this article: Abolbashari, Peiman. & Hosseini, Aghdas Sadat. (2025). Cultural and Religious Changes of Neyshabur during the 1330s SH/1950s AD: The Case of Sedaye Neyshabur Magazine. *Journal of Documentary and Archived Studies*, 3(2), 29-44

© Authorsretain the copyright.
Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.
DOI: https://orcid.org/0000-0001-8841-6470

zine after the coup that was moving from a connection between religion and politics toward the consolidation of religious traditions, reflects the broader socio-political transitions of the era. The emphasis on education, especially women's literacy, shows the periodical's concern to enlightenment and cultural cultivation of the local community. This study contributes to a better understanding of the role of local periodicals in the contemporary history of Iran.

پژوهشنامهٔ مطالعات اسنادی و آرشیوی
شاپا الکترونیکی: ۹۸۰۰-۲۹۸۰
شاپا چاپی: ۰۰۹۴-۲۹۸۱

تحولات فرهنگی و مذهبی نیشابور در دههٔ ۱۳۳۰ش با تکیه بر نشریهٔ صدای نیشابور

پیمان ابوالبشری[۱]، اقدس سادات حسینی[۲]

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی و تاریخ دانشگاه نیشابور، دانشکده علوم انسانی، نیشابور، ایران.
p.abolbashari@neyshabur.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشگاه نیشابور. a.sadat.h.63.90@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخچهٔ مقاله:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵
بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳
انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۴

کلیدواژه‌ها:
نشریهٔ صدای نیشابور،
پهلوی دوم،
مذهب،
فرهنگ.

چکیده

در بین مطبوعات محلی ایران در دورهٔ معاصر، کمتر به تحلیل داده‌ها در نشریهٔ صدای نیشابور توجه شده است. نشریهٔ مذکور در ۱۳۳۱ش مصادف با استعفای مصدق آغاز به‌کار کرد. آخرین شمارگان آن نیز در اسفند ۱۳۳۴ش منتشر شد. ۲۰۲ شماره به مدت تقریباً چهار سال در آرشیو اداره اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی موجود است که فراز و نشیب‌های جامعهٔ شهری نیشابور را منعکس می‌کند. هدف پژوهش حاضر واکاوی مسائل مذهبی و تحولات فرهنگی در این چهار سال و متعاقباً بررسی نگاه جامعه برای حل مشکلات مذکور است. این پژوهش با تأکید بر شرایط فرهنگی و مذهبی، تلاش دارد تا دغدغه‌ها و پاسخ‌های احتمالی نخبگان برای برون‌رفت از مشکلات تمام‌عیار ایران را به روش توصیفی ـ تحلیلی در آن مقطع زمانی بازنمایی کند.

استناد: ابوالبشری، پیمان؛ حسینی، اقدس‌سادات (۱۴۰۴). تحولات فرهنگی و مذهبی نیشابور در دههٔ ۱۳۳۰ش با تکیه بر نشریهٔ صدای نیشابور. *پژوهشنامهٔ مطالعات اسنادی و آرشیوی*، ۳ (۲)، ۲۹-۴۴. https://orcid.org/0000-0001-8841-6470

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

© نویسندگان.
CC BY NC

مقدمه

پیش از بررسی وضعیت مذهبی و فرهنگی روزنامه صدای نیشابور و ساختار اصلی این پژوهش، لازم است به کلیاتی دربارهٔ این روزنامه پرداخته شود. اولین شمارهٔ روزنامهٔ صدای نیشابور در مرداد ۱۳۳۱ش منتشر و آخرین شماره آن مربوط به اسفند ۱۳۳۴ش است. الهی در *روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان* اشاره دارد که انتشار روزنامه صدای نیشابور تا ۱۳۳۴ش ادامه داشت و این نزدیک به‌یقین است، چراکه آخرین شماره‌هایی که از این روزنامه مشاهده شد نیز مربوط به اواخر همین سال است. (الهی، ۱۳۸۰: ۳۸۸) ۲۰۲ شماره از این روزنامه هر دو هفته یک‌بار به قیمت یک و نیم ریال منتشر شده است. این روزنامه در طول انتشار دچار تعطیلی و وقفه نشد و تقریباً به‌طور منظم یک شماره از آن چاپ می‌شد. تعداد صفحات روزنامه بین ۲ تا ۱۶ صفحه است، اما اغلب به‌صورت ۴ صفحه‌ای منتشر می‌شد. محل چاپخانه این روزنامه، چاپخانهٔ رهنما در خیابان پهلوی نیشابور بود و مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز آن علی‌اصغر روشندل نام داشت. او کارمند بازنشستهٔ وزارت دارایی بود و کار مطبوعاتی خود را با انتشار روزنامهٔ صدای نیشابور آغاز کرد. بیشترین موجودی این روزنامه متعلق به آرشیو آستان قدس رضوی است. از ۲۰۲ شماره منتشرشده از این روزنامه، تعدادی از شمارگان آن به‌صورت پراکنده موجود نبود. شماره‌های ناموجود شامل شمارگان ۹، ۱۸، ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۸، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰ است.

برای بررسی وضعیت مذهب و فرهنگ نیشابور طی ۱۳۳۱-۱۳۳۴ق (محدودهٔ زمانی پژوهش)، لازم است خلاصه‌ای از بافتار فرهنگی و مذهبی در عصر پهلوی اول موردتوجه واقع شود. روی کارآمدن رضاشاه و رفتارها و سیاست‌هایش به‌ویژه در عرصهٔ مذهب، پیامدها و تبعات بلندمدتی برای جامعه ایران به همراه داشت. اقدامات ضدمذهبی او شامل ممنوعیت برگزاری برخی از آیین‌ها و مناسک شیعی مانند تعزیه و روضه‌خوانی، قانون کشف حجاب و محدودسازی نفوذ روحانیون و تضعیف آنان بود. (مدنی، ۱۳۷۵: ۵۹) چنین رویکرد افراطی و متعصبانه‌ای با حملهٔ دو کشور انگلستان و شوروی به ایران در ۳ شهریور ۱۳۲۰ش و سقوط رضاشاه کمرنگ شد. جعفریان به‌درستی در *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران*، تعبیر «کبوتری از قفس آزاد گشته و به پرواز درآمده» را برای قشرهای مذهبی به‌کار می‌برد. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۷) علاوه بر اقدامات ضدمذهبی رضاخان، فعالیت‌های حزب توده را نباید از نظر دور داشت. حزب توده در ۱۳۲۲ش فعالیتش را در دانشگاه تهران از سرگرفت و به‌سرعت پایگاه اجتماعی قابل‌توجهی کسب کرد، به‌گونه‌ای که در ۱۳۲۵ش، بسیاری از چهار هزار دانشجوی این دانشگاه به‌شدت از حزب توده طرفداری کردند و ۷۵٪ دانشجویان تحت القائات دبیران دبیرستان‌ها به کمونیسم گرایش یافتند. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۰۱)

پژوهش حاضر قصد دارد تجربهٔ زیسته جامعه شهری نیشابور را در حوزهٔ مذهبی و فرهنگی در این برههٔ بسیار مهم تاریخ معاصر ایران بررسی کند و نشان دهد چه دغدغه‌هایی از سوی مردم در این حوزه‌ها وجود داشته و آیا راه‌حلی برای این مسئله‌ها پیشنهاده شده است یا خیر؟ به‌طورکلی، اوضاع و احوال مذهبی مورد رضایت دینداران نبود. یکی از همین نمایندگان، روزنامه صدای نیشابور در شرق کشور است. روزنامهٔ مذکور رنگ و بوی مذهبی دارد و هدفش اساساً فرهنگ‌سازی در چارچوب ارزش‌های دین است. نیت روزنامه این بود که با کمک دین، هنجارهایی را احیاء کند که با تلاطم‌های سیاسی کشور این ارزش‌ها کمرنگ نشوند و عدالت اجتماعی در جامعه شکل گیرد. واژهٔ مشترک و مقدسی که دین و فرهنگ را به هم متصل می‌کرد، عدالت اجتماعی بود. این روزنامه با بیان فرهنگ مطلوب به‌مثابهٔ نیاز فوری جامعه، به دنبال معرفی و تدوین فرهنگ اسلامی و ایرانی از طریق آگاهی‌بخشی به جامعه بود. به نظر می‌رسد، روزنامه‌نگاران صدای نیشابور به جایگاه فرهنگ در جامعه آگاهی داشتند و می‌دانستند که حیات و پویایی هر جامعه‌ای در گروی حیات و پویایی فرهنگ آن جامعه است. همچنین، به دنبال ایجاد فرهنگی پویا بودند تا سبب شکوفایی و اعتلای جامعه شود و آگاه بودند اگر پویایی را در عرصهٔ فرهنگ ایجاد نکنند، زمینه برای عقب‌ماندگی در ابعاد مختلف زندگی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) فراهم خواهد شد. به همین علت، به دنبال ایجاد یا اصلاح فرهنگ در جامعه برآمدند،

اما نگاه روزنامه به فرهنگ، نگاه دینی بود. به اعتقاد روزنامه، فرهنگ زمانی سازنده و سعادت‌بخش می‌بود که تحت فرایند نظام دینی باشد.

پیشینه پژوهش

دربارهٔ مطبوعات ایران مطالعات و تحقیقات متنوعی صورت گرفته است، اما این مطالعات بیشتر تقویمی و شناسنامه‌ای بوده و عموماً به بررسی محتوایی و مفهومی نپرداخته‌اند. مسیری که این پژوهش‌ها طی کرده‌اند، توجه به تقویم و شناسنامه جراید و مجلات است و حتی در گروهی از این تحقیقات نقطه ضعف محسوس عدم شناسایی برخی نشریات است، به‌ویژه جرایدی که در شهرستان‌ها منتشر شده‌اند، آن هم در هنگامهٔ ملی شدن صنعت نفت که مطبوعات انعکاس‌دهنده این مسئله بوده و به جریانات فکری سمت و سو می‌بخشیدند. تنوع و فعالیت فراوان جراید در این دوره سبب گردیده که بیشترین نشریات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این زمان تولید شوند. برای آشنایی بیشتر با تحقیقاتی که دربارهٔ مطبوعات ایران و مخصوصاً خراسان انتشاریافته به صورت گذرا به برخی کتب پرداخته می‌شود. طباطبایی در کتاب ***تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*** به بررسی مطبوعات دورهٔ مشروطه می‌پردازد. نویسنده به برخی خصوصیات روزنامه‌های معروف مانند صبح صادق، حبل‌المتین، سور اسرافیل و غیره اشاره می‌کند. روستایی و سلامی در کتاب ***مجموعه اسناد مطبوعات ایران*** به بررسی مطبوعات ایران در بازهٔ ۱۳۲۰-۱۳۳۲ش می‌پردازند. الهی در کتاب ***روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی*** به بررسی روزنامه‌های مختلف در خراسان توجه داشته است.

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش تحلیلی و توصیفی و شیوهٔ گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

عدالت و استعمارزدایی در چارچوب گفتمان اسلامی

از نخستین شماره تا تقریباً آخرین شماره، روزنامه به دنبال پیاده‌سازی امور فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی در جامعه و به دنبال راهبری عقل و احساس به‌وسیله دین است. اساساً دین اسلام را دین فرهنگ‌ساز می‌داند و به دنبال سعادتمندی، استقلال، توسعه، رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه با تمسک به آموزه‌های دینی است. بنابراین از مجموعهٔ دین برای مبارزه با استعمار، ایجاد عدالت و غیره کمک می‌گیرد. (تصویر ۱) (صدای نیشابور، ۱۳۳۱: ۱/۱؛ ۱۳۳۴: ۱/۱۷۱) تأکید نشریه از همان ابتدا مبارزه با استعمار است و به نقش دین در ایجاد وحدت و همبستگی در جامعه در برابر استعمار اشاره دارد و با توجه به مناسک دینی همچون عید قربان، نوعی حس همبستگی در جامعه را ایجاد می‌کند. روزنامه معتقد است ملت‌هایی که دارای یک پیامبر، یک کتاب، یک قبله، یک قانون آسمانی و شعائر و اعیاد دینی هستند باید یک هدف سیاسی نیز داشته باشند و در مقابل اهریمن استعمار، استقلال سیاسی خود را به دست آورند. درجایی اشاره می‌کند: «باید دستور انما المومنون اخوة را با نهایت به کاربست و با اتحاد خود عالم را منقلب ساخته تعلیمات و تربیت اسلامی را که توانست در نیم‌قرن اصول مردمی و انسانیت را در صدر اسلام برقرار سازد در دنیا هم رایج و حاکم گردد.» (همان، ۱۳۳۱: ۴/۱)

هدف و انتظار
صدای نیشابور

سخنان علی علیه السلام

ای نیشابور

تصویر ۱: نخستین شماره (صدای نیشابور، ۱۳۳۱: ۱/۱)

روزنامه معتقد است از گذشته، عدالت همواره مطلوب انسان بوده و اندیشمندان سیاسی و مصلحان اجتماعی در پی عدالت بوده‌اند. روزنامه در پی تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، دین اسلام را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد، خصوصاً در نظام سیاسی که عدالت اهمیت فراوان دارد. روزنامه در راستای ایجاد عدالت اجتماعی راهکارهایی بر مبنای قوانین اسلام و الگوهای اسلامی ارائه می‌دهد و به موانع تحقق عدالت یعنی انحصارطلبی، مصلحت‌اندیشی به‌ناحق، سودجویی نظام سیاسی و بی‌توجهی به رعایت حقوق شهروندان اشاره می‌کند. مهم‌ترین عامل رفع این موانع را قوانین اسلامی و الگوهای اسلامی می‌داند. روزنامه با تأکید فراوان به الگوهای اسلامی به دنبال مبارزه با فساد و ظلم و ایجاد عدالت اجتماعی است. نشریه از واقعهٔ عاشورا به‌مثابهٔ الگویی بی‌بدیل در طول سده‌ها و دهه‌های پس از خود یاد می‌کند و واقعهٔ عاشورا را، انقلاب عاشورا می‌خواند و آن را الگوی نهضت‌ها و انقلاب‌های مردم می‌داند و در مقالهٔ «از عاشورای حسین علیه‌السلام» از مردم می‌خواهد در مبارزه با استعمار و فساد و ظلم و ایجاد تحول به دنبال تقلید از انقلاب کبیر و انقلابات اروپا نباشند. (همان، ۱۳۳۱: ۷/۱) روزنامه با مقالهٔ «طلوع حق و حقیقت» از مدعیان دروغین آزادی وعدالت می خواهد امام علی(ع) را الگوی خود قرار دهند و زندگی امام علی(ع) را سرمشق زندگی خود قرار دهند و می‌نویسد: «حق کجاست الحق مع علی و علی مع الحق. حق مصاحب علی است و علی مصاحب حق است. به هر طرف علی بگردد حق با او می‌گردد.» (همان، ۱۳۳۱: ۳۲/۱)

روزنامه بارها با جمله «الناس علی دین ملوکم» انگشت اشاره را به سمت مسئولین می‌گیرد و از آن‌ها می‌خواهد امام علی(ع) را الگوی خود قرار دهند، به‌گونه‌ای که در تمام برنامه‌ریزی‌ها جلوه‌های مدیریت و زندگی امیرالمؤمنین نمایان باشد و اشاره می‌کند اگر مسئولان و دست‌اندرکاران، آن امام بزرگوار را الگو و راهنمای مسیر حرکت فردی اجتماعی و مدیریتی خود قرار دهند، مردم نیز در این مسیر بیش از پیش رغبت پیدا می‌کنند و از آن‌ها تبعیت خواهند کرد. «آن مدعیان دروغین که دم از آزادی و عدالت می‌زنند و خود را طرفدار رنجبران و ضعفا دارند باید اعمال خود را با رفتار این

شخصیت بزرگ بسنجند.» (همان) درمجموع، روزنامه، اسلام را جامع تمام ابعاد زندگی انسان، بلکه کامل‌ترین مکتب عملی می‌داند و کلیه شئون سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از اسلام متوقع است و نگرش حداکثری به دین دارد. علاوه بر تمسک به اسلام جهت اجرای عدالت، مبارزه با فساد، استعمار و فرهنگ‌سازی و سلوک مذهبی ایرانیان باستان نیز موردتوجه قرار دارد و با تهییج احساسات ملی به دنبال ایجاد آثار مفید و مثبتی در جامعه است. با اشاره به کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک، به ستایش صداقت و راستی ایرانیان باستان می‌پردازد و اخلاق و رفتار ایرانیان این دوران را می‌ستاید. روزنامه هیهات سر می‌دهد که آن همه راستی و صداقت از بین رفته و اخلاق و رفتار ایرانیان برعکس شده است، چنانکه دروغ می‌گویند و رشوه می‌گیرند و اشاره دارد: «نژاد آریایی اصیل‌ترین نژادهای روی زمین است و ایرانیان قدیم نمونه بارز اصالت این نژادند؛ آنان بودند که شعارشان کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک بود و از خیانت و دروغ متنفر بودند این بود که دنیا در تصرف آنان بود و بزرگ‌ترین، مقتدرترین امپراتوران سر به آستانشان می‌ساییدند.» (همان، ۱۳۳۱: ۵/۴۷)

توسل به احادیث

در ادام، امور مذهبی، توجه به احادیث در این روزنامه اهمیت دارد. از شمارۀ ۱ تا شمارۀ ۵، سخنان امام علی(ع) و از شمارۀ ۶ تا شمارۀ ۴۰، احادیث پیامبر(ص) در صفحۀ اول درج شده است. با بررسی محتوایی احادیث چاپ‌شده مشخص می‌شود روزنامه به دنبال جامعه‌ای است که در آن مسئولیت‌های اجتماعی با فضایل اخلاقی ارتباط داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، مسئولیت اجتماعی را در ارتباط با قانون قرار نمی‌دهد، بلکه ناظر آن اخلاق است. روزنامه به اهمیت اخلاق در *نهج‌البلاغه* و کلام رسول‌الله واقف است و با درج آن‌ها در جستجوی بیان ارزش و اهمیت اخلاق در زندگی بشری است. روزنامه می‌خواهد با درج احادیث و با جستارهای دینی و آموزه‌های اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی به اجرای عدالت در جامعه و گسترش رفاه عمومی و افزایش توان اقتصادی و گسترش دانش در میان مردم دست یابد. مثلاً با اشاره به تساوی شاه و درویش در پیشگاه خداوند معتقد است، حاکم جامعه باید از وضعیت اقتصادی مردم در جای‌جای سرزمین اسلامی آگاه باشد. (همان، ۱۳۳۱: ۱/۱)

در شمارۀ ۲ با سخنی از امام علی(ع) اشاره به مکاران زمان دارد. روزنامه با این سخن حضرت به کارشکنی عده‌ای در دولت اشاره می‌کند. (تصویر ۲) (همان، ۱۳۳۱: ۱/۲) در شمارۀ ۳ با سخنی از امام علی(ع) دربارۀ ثروتمندان که سودی برای مردم ندارند، به زمین‌داران و فئودال‌ها طعنه می‌زند و به دنبال عدالت اقتصادی در جامعه است: «بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند باشد [...] آن‌کس را که از دارایی خود به مردمان سود نرساند ثروتمند مشمار.» (همان، ۱۳۳۱: ۱/۳) درواقع، نیت روزنامه به‌روزسازی احادیث و طعنه به مکاران و متمولان دورۀ معاصر است. در شمارۀ ۱۲، حدیثی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که حاکی از انفعال اجتماعی است: «وقتی دیدید نمی‌توانید چیزی را تغییر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغییر دهد.» (همان، ۱۳۳۱: ۱/۱۲) که این نشان از پایین بودن توان تغییرات اجتماعی در جامعه است. برخی احادیث نیز فارغ از گفتمان‌های اجتماعی است و در دایرۀ تعلیمات دینی می‌گنجد، مانند: «از سه چیز بترس حسد، حرص، تکبر» (همان، ۱۳۳۱: ۱/۲۴) و یا «هر کس اخلاقش نیکوتر است ایمانش بهتر است.» (همان، ۱۳۳۱: ۱/۲۲)

زندگانی هر ملتی
مرهون مبارزه است

صدای نیشابور

سخنان علی علیه السلام

کلمه مقدس

آفرین به مردم تهران!

تصویر ۲: سخنی از امام علی(ع) در اشاره به مکاران زمان (صدای نیشابور، ۱۳۳۱: ۱/۲)

شعائر دینی

در کنار برداشت‌های مستقیم از آیات و احادیث، روزنامه با درج شعائر مذهبی به دنبال ترویج اخلاق در جامعه در قالب شعر نیز بود. به‌عنوان نمونه، شعری از مولانا را به چاپ می‌رساند. علاوه بر اشعاری که جنبهٔ اخلاقی دارند، به درج اشعار مذهبی که در مدح حضرت ختمی‌مرتبت و امام علی(ع) می‌پردازد. (همان، ۱۳۳۱: ۴/۳۲؛ ۱۳۳۲: ۶/۵۷؛ ۱۳۳۲: ۶/۵۸) بیشتر اشعار مذهبی روزنامه در بزرگداشت حضرت علی(ع) و واقعهٔ غدیر است. (همان، ۱۳۳۲: ۲/۵۹؛ ۱۳۳۴: ۳/۱۷۴؛ ۱۳۳۲: ۲/۵۹) سرایندگان بسیاری از این اشعار مشخص نشده و فقط نام محمدعلی سجادی در ذیل اشعار مربوط به بزرگداشت عید غدیر قابل مشاهده است. (همان، ۱۳۳۱: ۴/۳۲؛ ۱۳۳۲: ۶/۵۸)

در ادامهٔ امور مذهبی، روزنامه به سخنرانی‌هایی که توسط وعاظ انجام‌شده توجه دارد. منبر در طول تاریخ اسلام و تشیع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها و ابزارهای انتقال پیام شناخته شده است. (شیخ‌احمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۶) سخنرانی‌هایی که روزنامه منتشر کرده است را از نظر محتوایی می‌توان به حوادث قبل از کودتای ۲۸ مرداد و بعد از کودتا تقسیم نمود. روزنامه قبل از کودتا به درج سخنرانی نهاوندی، منبری مسجد جامع شهر می‌پردازد که مضمون سخنرانی حکایت از اتحاد بین مردم و حفظ اتحاد بین مسئولین دارد. در انتهای سخنرانی واعظ، وضعیت کنونی کشور (مبارزه برای رهایی از یوغ استعمار به رهبری کاشانی و دکتر مصدق) را با اتفاقات صدر اسلام مقایسه می‌کند. (صدای نیشابور، ۱۳۳۱: ۱/۲۰) محتوای درج‌شده سخنرانی‌های مذهبی بعد از کودتا کاملاً متفاوت است و بیشتر جنبهٔ اخلاقی دارد و شامل توصیه‌های دینی و احکام مربوط به کسب و کار و صناعت و زراعت است. (همان، ۱۳۳۲: ۱/۶۸؛ ۱۳۳۲: ۱/۷۰) که این موضوع، تغییر رویکرد وعاظ نیشابوری قبل و بعد از کودتا را نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، قبل از کودتا، خطابه‌ها سیاسی است و بعد از کودتا جنبهٔ اخلاقی پیدا می‌کند و از سیاست فاصله می‌گیرد. این مسئله دربارهٔ رویکرد سیاسی روزنامه نیز صادق است.

(همان، ۱۳۳۱: ۴/۱۹؛ ۱۳۳۱: ۱/۲۰؛ ۱۳۳۲: ۴/۹۹؛ ۱۳۳۱: ۴/۴۵)

روزنامه در ادامهٔ امور مذهبی به بازتاب اخبار مربوط به جشن‌ها و سوگواری‌ها می‌پردازد. سوگواری‌ها شامل ایام محرم و صفر و شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) است که هرسال برگزار می‌شود (همان، ۱۳۳۱: ۴/۱۱؛ ۱۳۳۲: ۴/۶۱؛ ۱۳۳۲: ۴/۶۷؛ ۱۳۳۲: ۶/۸۳؛ ۱۳۳۳: ۶/۱۲۳؛ ۱۳۳۳: ۶/۱۳۰) در کنار سوگواری‌ها، اخبار جشن‌های مذهبی در روزنامه انعکاس می‌یابد، همچون بعثت (همان، ۱۳۳۱: ۶/۳۴) میلادحضرت مهدی(عج) (همان، ۱۳۳۱: ۸/۳۷؛ ۱۳۳۲: ۱/۹۶) جشن در فرمانداری به مناسبت عید غدیر (همان، ۱۳۳۲: ۲/۵۶؛ ۱۳۳۲: ۱/۵۶) و میلاد امام حسین(ع) در ماه رمضان. (همان، ۱۳۳۲: ۴/۹۴؛ ۱۳۳۲: ۴/۹۹) روزنامه در شمارهٔ ۱۷۵، آماری از هیئت‌های مذهبی شیعه امامی شهرستان ارائه می‌دهد. شهرستان ۱۸ هیئت مذهبی داشت. که به شرح زیر است: «۱. هیئت صاحب‌الزمانی. ۲. هیئت ابوالفضلی. ۳. هیئت رضوی. ۴. هیئت جعفری. ۵. هیئت موسی بن جعفری. ۶. هیئت فاطمیه. ۷. هیئت حسینی. ۸. هیئت کودکان حسینی. ۹. هیئت خادمان حسینی. ۱۰. هیئت پیروان محمد. ۱۱. هیئت پیروان قرآن. ۱۲. هیئت شاهزاده علی‌اکبر. ۱۳. هیئت فداییان صاحب‌الزمانی. ۱۴. هیئت امام حسن عسکری. ۱۵. هیئت جوادیه. ۱۶. هیئت ۱۲ امامی. ۱۷. هیئت سجادی. ۱۸. هیئت جوادیه.» (همان، ۱۳۳۴: ۸/۱۷۵)

روزنامه به امور حج و زیارت نیز توجه داشت. حدود ۱۶ خبر حج و زیارت در روزنامه به چاپ رسیده است که جنبهٔ اطلاع‌رسانی دارد. (همان، ۱۳۳۱: ۶/۴۷؛ ۱۳۳۲: ۴/۵۲؛ ۱۳۳۳: ۶/۱۱۰) ظاهراً، برگزاری حج در دوره محمدرضا پهلوی سرپرست مشخصی نداشت و کار زائران ایرانی به عهده کاروان‌داران بود. (سلطانی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷) به همین علت، شاهد تبلیغ کاروان‌ها در نشریهٔ مذکور برای سفر حج هستیم. (همان، ۱۳۳۳: ۴/۱۶۵؛ ۱۳۳۴: ۴/۱۶۸؛ ۱۳۳۴: ۱/۱۶۹) تنها خبر حائز اهمیت نشریه دربارهٔ مسئله حج در شهریور ۱۳۳۴ش اتفاق افتاد: «در مراسم حج امسال ۵۶ نفر از حجاج ایرانی تلف شدند. حجاج ایرانی در مراسم منا به علت کمبود محل و مسکن در مضیقه بودند. ۱۵۰ نفر از ایرانیان به جرم قاچاق تریاک زندانی‌شده بودند که پس از مراجعت اعلاحضرت ملک سعود از تهران مستخلص شدند. ایران از لحاظ عده زائرین امسال مقام چهارم را در بین دول اسلامی داشت.» (همان، ۱۳۳۴: ۱/۱۷۶) روزنامه با زبان کنایه از مسافرین حج می‌خواهد برای موردقبول واقع‌شدن زیارتشان آبونمان گذشته روزنامه را پرداخت کنند. (همان، ۱۳۳۲: ۴/۱۰۳)

جشن‌های غیراسلامی

روزنامه همزمان با انعکاس آیین‌های مذهبی، به اعیاد باستانی نیز می‌پردازد. مثلاً نحوهٔ برگزاری چهارشنبه‌سوری را توضیح می‌دهد. (همان، ۱۳۳۳: ۲/۱۵۵) اخبار جشن درختکاری که در شهرداری برگزارشده را انعکاس می‌دهد. (همان، ۱۳۳۳: ۳/۱۵۴) خبر جشن مهرگان را منتشر می‌کند. (همان، ۱۳۳۳: ۵/۱۲۶) روزنامه ترکیبی صداهایی متوازن از توجه به آیین‌های پیشااسلامی و اسلامی به‌صورت هم‌زمان است. جالب‌ترین مطلب این قسمت مربوط به انعکاس جشن‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی در نیشابور همچون عید ارامنه در ۱۶ فروردین است (همان، ۱۳۳۱: ۶/۳۳) یا عید سال نو مسیحی که صدای نیشابور به ارامنه تبریک گفته است: «عید پاک روز یکشنبه ۱۶ فروردین مطابق با ۵ آوریل ارامنه نیشابور به مناسبت عید پاک از طبقات این شهر پذیرایی نمودند.» (همان، ۱۳۳۱: ۶/۳۳) «عید بابانوئل به مناسبت تولد حضرت مسیح و عید نوئل هفته قبل ارامنه نیشابور مجالس متعدد منعقد و عده کثیری از اهالی در عید نوئل شرکت نمودند. ما بدین‌وسیله به آقایان ارامنه نیشابور صمیمانه تبریک می‌گوییم.» (همان، ۱۳۳۲ : ۶/۷۹)

تحولات فرهنگی ـ آموزشی

سیر کلی نشریهٔ صدای نیشابور نشان می‌دهد که به نقش فرهنگ در ارتباط با توسعه تأکید داشته و معتقد بود، عدم

توجه به توسعهٔ فرهنگی می‌تواند یکی از مشکلات اساسی در امر توسعه را فراهم آورد. روزنامه به دنبال این بود تا نشان دهد جامعه قبل از هر چیز نیازمند آمادگی‌های فکری، پی بردن به‌ضرورت توسعه و تصمیم‌گیری قاطع پیرامون آن است. این امر مستلزم توسعهٔ فرهنگی و همراهی آن با ابعاد دیگر توسعه است. روزنامه بعد از توجهٔ بسیار به مسئلهٔ باورهای مذهبی و دینی در پیشبرد توسعهٔ فرهنگی، به سراغ آموزش و پرورش می‌رود و آن را زمینه‌ساز رشد فکری و اخلاقی یک جامعه پویا می‌داند و تنها راه کمال انسان به‌سوی سعادت را سرمایه‌گذاری و توجه به آموزش و پرورش بیان می‌کند. به اعتقاد روزنامه، سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پرورش، موجب شکوفایی سایر بخش‌های جامعه است. موضوع فرهنگ و آموزش و پرورش چنان برای روزنامه اهمیت دارد که معتقد است، اولین پول دریافتی نفت به مبلغ آن ۵۰ میلیون لیره، باید صرف آموزش و پرورش و شورای عالی فرهنگ شود. (همان: ۱/۱۱۸) روزنامه برای دستگاه فرهنگ سه قسمت عمده قائل شد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

برنامه‌های آموزشی

در ارتباط با برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، روزنامه با نگاه نقادانه به دنبال شفاف‌سازی این موضوع بود که برنامه‌های آموزشی هیچ مسئله‌ای را در جامعه برطرف نمی‌سازد و مواد درسی بر اساس نیازهای جامعه تدوین نشده است و فقط کارمندپروری را به همراه دارد. (همان، ۱۳۳۲: ۱/۸۶) نشریه این‌گونه شرایط موجود را موردنقد قرار می‌دهد: «وظیفه تعلیم و تربیت در دنیای جدید عبارت است از آماده ساختن افراد برای استفاده از کلیه امتیازات جوامع موجود و خدمت کردن به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به‌نحوی‌که تا قله تمدن بشری از سیر تکامل خود بازنماند و خلاصه اشخاص را باید طوری تربیت کرد که عضو مفید و مؤثر جامعه خود باشد نه سربار و انگل آن.» (همان، ۱۳۳۴: ۱/۱۸۴) روزنامه با مقالهٔ «تا فرهنگ کشور سم شوکران برنامه‌های سابق را به خورد نوآموزان و جوانان بدهد استعدادها را می‌کشد» (همان، ۱۳۳۲: ۱/۵۹) شدیداً به وضع فرهنگ می‌تازد و معتقد است برنامه‌های آموزشی و مواد درسی با قصد و غرض به دنبال این است که ملت برای همیشه ضعیف و زبون و بیچاره و بی‌اراده بماند.

نشریه با جزئیات بیشتر به شرح مسئله می‌پردازد: «ساختمان‌هایی در کشور برای دبستان و دبیرستان به وجود آمد اما چه نتیجه‌ای داده است هزار بار مطلعین و روشنفکران گفتند این دانش‌آموزان چیزی یاد نمی‌گیرند. یک عده معتقدند این برنامه‌های آموزشی تعمدی است تا مردم را بیچاره‌تر و پریشان‌تر کند.» (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۵۷) روزنامه در شماره‌های بعدی خود نیز از فرسودگی و کهنگی برنامه‌های آموزشی رنج می‌برد. (همان، ۱۳۳۳: ۲/۱۶۴) و ۱۲ سال تحصیل دانش‌آموزان را تضییع عمر دانسته و اشاره می‌کند بااینکه سال‌هاست اصلاح برنامه‌های آموزشی موردگفتگو قرار دارد، اما اصلاحاتی در آن صورت نگرفته است. روزنامه برنامه‌های مفید آموزشی را این‌گونه بیان می‌کند: «آمال ملت تربیت عادات و اخلاق بر طبق تعلیمات دین است ضامن ترقی کشور فراگرفتن علوم اجتماعی و اقتصادی و دانش‌های ریاضی و طبیعی و آموختن معلومات فنی و به کار بستن آن‌ها در زندگی است.» (همان) روزنامه با جملهٔ «درب مدارس را بازکنید تا درب زندان‌ها بسته شود.» (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۲۸) فساد اخلاق و جرائم و جنایات را به‌واسطه فقدان تعلیم و تربیت می‌داند و سؤالی مطرح می‌کند که آیا با باز شدن مدارس درب زندان‌ها بسته شده؟ و پاسخش منفی است که علت آن را غلط بودن برنامه‌های درسی می‌داند و از مدارس باوجود این برنامه‌های ناکارآمد به‌عنوان داروی فاسد یاد می‌کند. آنچه در مورد برنامه‌های آموزشی موردبحث و انتقاد روزنامه قرار دارد، خلأ پرورش نیروهای فنی است. (همان، ۱۳۳۲: ۱/۸۶) روزنامه به بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تربیت سرمایه‌های انسانی می‌پردازد و معتقد است با صنعتی شدن جهان ضرورت برنامه‌ریزی در مواد درسی آموزش و پرورش حائز اهمیت است. روزنامه به نقش و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعهٔ اقتصادی توجه دارد و معتقد است باید اصلاح آموزشی صورت گیرد و پابه‌پای صنعتی شدن جوامع،

آموزش‌های حرفه‌ای را گسترش داد. (همان، ۱۳۳۲: ۱/۱۰۲؛ ۱۳۳۳: ۱/۱۱۸؛ ۱۳۳۳: ۱/۱۲۸)

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، روزنامه از زاهدی می‌خواهد این طلسم را بشکند و بیداری فرهنگی را به نام خود تمام نموده و برنامهٔ تعلیمات را اصلاح کند. «بعد از ۱۲ سال تحصیل محصلین چه هنری دارند و چه‌کاری می‌توانند انجام دهند، درحالی‌که سربار دولت هستند و دولت هم مجبور است برای حقوق آن‌ها مالیات جدید وضع کند» (همان، ۱/۵۹). نشریه با تأکید بر این باور است که «برنامه‌های فرهنگ به‌گونه‌ای است که در اثر آن در هیچ فردی دماغ ابتکار نیست» (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۰۲) تا اینکه اخباری از شروع کلاس‌های حرفه‌ای منعکس می‌کند: «در اثر اقداماتی که اداره فرهنگ به عمل‌آورده موافقت شده است در سال تحصیلی آینده یک دبستان ۴ کلاسه با کمک اداره همکاری‌های فنی افتتاح می‌گردد و ۵ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشسرا در کلاسی که به این منظور در مشهد تشکیل می‌شود اعزام گردیده‌اند.» (همان، ۱۳۳۲: ۱/۹۶) «علاوه بر دبستان کشاورزی یک دبستان حرفه‌ای تشکیل می‌شود دو نفر هنرآموز دیپلمه یکی برای فلزکاری و دیگری برای درودگری غریبا در دبستان مزبور مشغول خدمت خواهند شد.» (همان، ۱۳۳۲: ۴/۸۳) در هفته‌های پایانی فعالیت، روزنامه در شمارهٔ ۱۷۵ خبر تأسیس ۷ آموزشگاه حرفه‌ای در شهرهای تهران، اصفهان، یزد، شیراز، اهواز، مشهد و تبریز را ارائه می‌دهد که برای تربیت‌معلم فنی است. (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۷۵)

یک نمونه جالب منتشر شده در روزنامه مربوط به فرهنگ و آموزش در آمریکاست. در آنجا تعلیم و تربیت یکی از ضروری‌ترین کارها دانسته شده و کلیه پیشرفت‌های خود را مدیون فرهنگ خود می‌دانند. سپس روزنامه ویژگی‌های مدارس آمریکا را با جزئیات به‌عنوان الگوی یک مدرسه موفق که در فرهنگ پیشتاز هستند را در چندین شماره چاپ می‌کند. (همان، ۱۳۳۲: ۴/۷۷؛ ۱۳۳۲: ۱/۷۸؛ ۱۳۳۲: ۴/۷۹؛ ۱۳۳۲: ۴/۸۰؛ ۱۳۳۲: ۱/۸۳) به‌عنوان‌مثال، در یکی از شمارگان درج شده است: «کارمندان کودکستان‌ها علاوه بر تحصیلات عالی و آشنا بودن به روانشناسی و روحیه کودکان نواختن پیانو را هم تااندازه‌ای که برای سرود بچه‌ها لازم است می‌دانند» (همان، ۱۳۳۲: ۴/۸۰) یا «متجاوز از صدسال است که در ایالات‌متحده آمریکا تعلیمات اجباری عملی گردیده به‌طوری‌که امروزه در آنجا فرد بی‌سواد وجود ندارد و از طرف دولت مرکزی و اداره فرهنگ واشنگتن هیچ‌گونه دخالتی در امور فرهنگی سایر ایالات آمریکا ندارد.» (همان، ۱۳۳۲: ۴/۷۷)

در خرداد ۱۳۳۳ش، روزنامه خبر تأسیس یک دبستان نمونه را چاپ می‌کند و در چند شماره اخبار آن را بازتاب می‌دهد. این دبستان در مشهد با همکاری سازمان فرهنگی اصل ۴ تأسیس شد و آموزگاران آن در تهران تحت آموزش قرارگرفته و روش آموزش در آن آمریکایی بود. (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۰۲) هری ترومن که موفق شده بود در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۴۸م برای دومین بار به ریاست جمهوری آمریکا دست یابد، در نطق افتتاحیه خود در۲۰ ژانویه ۱۹۴۹م، مبانی جدید سیاست خارجی خود را شامل چهار اصل، بیان کرد که اصل چهارم آن بیش از باقی اصول شهرت یافت. اصل چهار بر کمک‌های مالی و فنی آمریکا به کشورهای فقیر دلالت داشت. این مدرسه به دنبال تقویت ابتکار در دانش‌آموز بود. مثلاً با فیلم، عکس، قصه، افسانه و بازی، دانش‌آموزان تحت آموزش قرار گیرند. (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۰۴) وظیفهٔ مدرسه آماده‌سازی کودک برای زندگی اجتماعی است. (همان، ۱۳۳۳: ۱/۱۰۵) این دبستان دارای چهار کلاس و تحت مدیریت خانم امز بری (معلم سابق در آمریکا) قرار داشت. (همان، ۱۶/۱۲۹)

علاوه بر این‌گونه دبستان‌ها، روزنامه خبر از بازگشایی آموزشگاه‌های ملی می‌دهد: «بعضی از روحانیون تصمیم دارند آموزشگاه‌های ملی با همکاری اهالی تأسیس کنند که در عین تعلیم و تدریس برنامه رسمی فرهنگ، تربیت اسلامی کامل در آن موردتوجه باشد البته چون سابق چنین مدارسی در مشهد و تهران تأسیس‌شده و از آن‌ها نتیجه خوب گرفته‌اند، امید است در این شهرستان نیز به منظوری که دارند موفق شوند.» (همان، ۱۳۳۴: ۱/۱۷۶) «مردم ما نمی‌خواهند بدانند که تحصیلات فرزندانشان چه مایه و پایه‌ای دارد و فقط گاهی از رهبران روحانی‌شان شنیده شده است که آموزشگاه‌ها را فاقد تربیت مذهبی شمرده و اظهار نمودند که باید درهای این آموزشگاه‌ها بسته شود.» (همان، ۴/۴)

آموزش دختران

علاوه بر این موضوع، روزنامه به مسئلهٔ مهم آموزش دختران نیز پرداخته است. طبق آماری که در پایان سال تحصیلی ۱۳۳۳ش منتشر می‌کند، تعداد دانش‌آموزان پسر در تمام مقاطع تحصیلی چند برابر دختران است. به‌طور مثال، در شمارهٔ ۱۶۵ تعداد دانش‌آموزان دختر در امتحانات شش ساله ابتدایی را ۷۹ نفر اعلام می‌کند، درحالی‌که تعداد دانش‌آموزان پسر در ۱۳۳۳ش، ۳۰۶ نفر است. (همان، ۱۳۳۳: ۴/۱۶۵)

نتیجهٔ امتحانات شش‌ساله ابتدایی دختران			
تعداد قبولی	تعداد تجدیدی	تعداد مردودی	جمع کل
۶۶ نفر	۱۰ نفر	۳ نفر	۷۹
نتیجهٔ امتحانات شش‌ساله ابتدایی پسران			
تعداد قبولی	تعداد تجدیدی	تعداد مردودی	جمع کل
۲۶۵ نفر	۳۸ نفر	۳ نفر	۳۰۶

همچنین در ۱۳۳۲ش، در مقابل ۴۳ نفر دانش‌آموز دختر ششم ابتدایی ۲۰۰ پسر در امتحانات شرکت داشتند. (همان، ۱۳۳۱: ۶/۴۳) یکی از دغدغه‌های مهم روزنامه، ادامه تحصیل دختران است، چنانکه از کاوه مظفر زمانی که ریاست فرهنگ نیشابور را بر عهده دارد، می‌خواهد کلاس چهارم دبیرستان دختران را تأسیس کند تا دوشیزگان از تحصیل بازنمانند. (همان، ۱۳۳۱: ۴/۱۱) در کنار بحث آموزش، روزنامه به پرورش دانش‌آموزان نیز توجه دارد. در این راستا اشاره می‌کند که تعلیمات دینی باید مهم‌ترین نقش را در پرورش دانش‌آموزان ایفا کنند. حتی در قسمتی اشاره به روحانیونی دارد که مردم را از فرستادن بچه‌ها به مدارس منع می‌کنند. روزنامه در امر پرورش دانش‌آموزان به موضوع نزدیکی خانه و مدرسه پرداخته و بر این باور است که اگر مردم نواقصی در تربیت مشاهده کنند، باید به آموزش و پرورش نزدیک شوند و آن‌طور که صلاح واقعی است برنامه تحصیلات فرزندان خود را تنظیم کنند. دغدغهٔ روزنامه تربیت افراد متخصص است که هم تربیت دینی و مذهبی دارند و هم علوم جدیدی را فراگیرند که جوابگوی نیازهای جامعه باشد. روزنامه، سنت، مذهب و مدرنیته را درهم می‌آمیزد و معتقد به توأم بودن تحصیل با تربیت دینی و به دنبال شکل نوینی از آموزش و پرورش است و سعی در نوسازی ساختارهای تعلیم و آموزش دارد. روزنامه در ادامه مسائل پرورشی به روانشناسی کودکان نیز پرداخته و نوع برخورد والدین و آموزگاران را توضیح می‌دهد، اما علاوه بر تکنیک‌های نوین روانشناسی از مذهب برای پرورش کودکان بهره می‌گیرد. (همان، ۱۳۳۱: ۳/۱۰) سوادآموزی آن‌قدر برای روزنامه مهم است که حتی اخبار سوادآموزی در زندان را هم بازتاب می‌دهد و از آن تقدیر می‌کند. (همان، ۱۳۳۱: ۴/۱۰)

مدارس و معلمان

تعدادی از مقالات روزنامه گویای وضعیت بد مدارس به لحاظ ساختمانی و امور بهداشتی است. (همان، ۱۳۳۱: ۱/۱۸؛ ۱۳۳۱: ۱/۱۹) روزنامه با توجه به ملی شدن صنعت نفت و قطع روابط با انگلیس و نبود بودجه، از خیرین می‌خواهد در فرهنگ جامعه سهیم باشند. به اعتقاد روزنامه، سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ سبب ترقی کشور خواهد شد، اما نبود بودجه در این برهه سبب تعطیلی دبستان‌ها در روستاها شده است. آمار درج‌شده از تعداد محصلین دختر و پسر در حوزه نیشابور ۶۰۰۰ نفر بود. (تصویر ۳) (همان، ۱۳۳۱: ۱/۳۰) بودجهٔ مدارس از طریق شهرداری و خیرین تأمین می‌شد. (همان،

۱۳۳۱: ۱/۱۳؛ ۱۳۳۲: ۴/۷۸؛ ۱۳۳۴: ۴/۱۸۳) وضعیت برخی مدارس به این صورت بازتاب داده شده است: «انتظار داریم درب مکتبخانه خرو سفلی که درنهایت رقت‌باری اطفال بی‌گناه را روی خاک و خاکستر نشانده‌اند، بسته شود و به‌جای مکتبخانه مدرسه تأسیس گردد.» (همان، ۱۳۳۳: ۴/۱۴۹) این خبر در ۱۳ بهمن ۱۳۳۳ش انتشاریافته است. یا درجایی دیگر در مورخهٔ ۱۹ آذر ۱۳۳۱ش اشاره دارد: «دبستان کمال‌الملک را از محل سابق به محل فعلی که پشت منجلاب حمام واقع است، انتقال داده‌اند درنتیجه مجاورت با حمام کلاس‌های آن همیشه مرطوب و گذشته از اینکه اطفال مبتلا به روماتیسم می‌شوند بوی زننده آن، آن‌ها را مستعد ابتلا به سل می‌نماید.» (همان، ۱۳۳۱: ۱/۱۸)

صدای نیشابور

مرگ چیست ؟ اختلاف

فرهنگ

نیشابور در سال جاری

تصویر ۳: دیدگاه روزنامه نسبت به فرهنگ (صدای نیشابور، ۱۳۳۱: ۱/۳۰)

بعد از پرداختن به برنامه‌های فرهنگی و ساختمان‌های اداره فرهنگ، امور مربوط به معلم‌ها در امور فرهنگی حائز اهمیت است: «قدیمی‌ها گفته‌اند اگر طبیب را مورد ظلم واقع ساختی باید به درد خود بسازی و هرگاه احترام معلم را منظور نکردی ناچار باید با گرفتاری در ورطه جهل و تمکین باشی.» (همان، ۱۳۳۲: ۱/۱۰۲) روزنامه در شماره‌های بسیاری به اهمیت توجه به مقام معلم تأکید دارد و بارها روز معلم را پاس داشته و حتی روز معلم تعطیل می‌شده است. (همان، ۱۳۳۱: ۶/۱۸؛ ۱۳۳۲: ۱/۶۴؛ ۱۳۳۲ ۱/۶۶؛ ۱۳۳۳: ۶/۱۳۸) کمبود آموزگار از مشکلات این دوره است: «یک آموزگار برای دبستان دخترانه چکنه سر ولایت که دارای گواهینامه سال ششم دبیرستان و در صورت نبودن از بین دیپلمه‌های پنج‌ساله متوسطه و در صورت نبودن دارندگان گواهینامه دوره اول متوسطه انتخاب خواهد شد.» (همان، ۱۳۳۴: ۱۰/۱۸۲) بااینکه وضعیت حقوقی و درآمدی معلمان ضعیف است، اما آن‌ها از پیشگامان امور خیریه هستند. به‌عنوان نمونه در خبری «دبیران و آموزگاران و کارمندان فرهنگ ۹۰۰۰ ریال برای کمک به سیل‌زدگان پرداخت نمودند.» (همان، ۱۳۳۳: ۵/۱۲۶) روزنامه ضمن برشمردن مقام آموزگاران از بی‌توجهی متصدیان امور به سرنوشت آنان گلایه می‌کند. «بارها قول مساعدت به فرهنگیان داده‌شده، اما بسیار با تأخیر بوده و هیچ‌گاه به حقوق واقعی خود دست نیافته‌اند» (همان، ۱۳۳۲: ۴/۷۱؛ ۱۳۳۲:

۱/۸۶) «۹۴ باب دایر و آموزگاران مشغول تدریس می‌باشند و سه اکابر در شهر و خارج برای اشخاص بی‌سواد دایر است.» (همان، ۱۳۳۳: ۳/۱۳۷) این خبر در ۱۳ آذر ۱۳۳۳ش انتشاریافته است: «در حال حاضر ۹۴ باب دبستان و دبیرستان در شهر نیشابور و حوزه‌های خارج به شرح زیر است:

۱. دبیرستان خیام ۵ کلاسه در نیشابور	یک باب
۲. دبیرستان کمال‌الملک سه کلاسه در شهر نیشابور	یک باب
۳. دبیرستان شاهدخت سه کلاسه در شهر نیشابور	یک باب
۴. دانشسرای مقدماتی شهر نیشابور	یک باب
۵. دبستان‌های حوزهٔ شهرستان نیشابور	۱۲ باب
۶. دبیرستان خسروی دیزباد خارج	یک باب
۷. دبیرستان لامعی درود خارج	یک باب
۸. دبیرستان کشاورزی خیام	یک باب
۹. دبیرستان حرفه‌ای شهر نیشابور	یک باب
۱۰. دبستان روستایی شهر نیشابور	یک باب
۱۱. دبستان‌های خارج از شهر	۷۳ باب

سینما و تئاتر

از دیگر امور فرهنگی که روزنامه به آن توجه داشته، هنر سینما و تئاتر است. شاید پرداختن به سینما و تئاتر توسط روزنامه فقط در قالب خبر باشد، اما این گویای تحرک سینمای شهرستان و پویایی نمایش است. استفاده از هنر سینما و تئاتر برای کسب درآمد جهت امور عام‌المنفعه قابل‌توجه است. اجرای نمایش‌ها به نفع دانش‌آموزان بی‌بضاعت از دغدغه‌های مردم فرهنگی برای رسیدگی به وضعیت نیازمندان است. (همان، ۱۳۳۱: ۱/۱۲؛ ۱۳۳۱: ۴/۱۴) یکی از نکات قابل‌توجه در اجرای نمایش‌ها، توجه سازندگان آن‌ها به زمان برگزاری در ماه‌های قمری و مناسبت‌هاست، به‌گونه‌ای که اجرای نمایش‌ها به بعد از ایام عزاداری‌ها موکول می‌شده است و این نشان از احترام اهالی رسانه به شعائر دینی دارد و شاید هم عدم استقبال مردم مذهبی از نمایش‌ها در ایام محرم و صفر در این مهم مؤثر بوده است.

سیاحان خارجی

از دیگر امور فرهنگی روزنامه، انعکاس اخبار مربوط به سیاحان خارجی است. پنج خبر از گردشگرانی که وارد نیشابور شدند وجود دارد. گردشگران از کشورهای زلاندنو، پاکستان، آلمان، آمریکا، دانمارک و اتریش بودند که مقصد گردشگری آنان در شهرستان، مقبرهٔ خیام بود. (همان، ۱۳۳۱: ۲/۸؛ ۱۳۳۱: ۴/۱۵؛ شماره ۴/۴۶؛ ۱۳۳۱: ۴/۴۹؛ ۱۳۳۲: ۴/۷۱؛ ۱۳۳۲: ۴/۱۰۵؛ ۱۳۳۳: ۸/۱۲۵؛ ۱۳۳۲: ۴/۷۱) یک نمونه از این اخبار چنین است: «آقایان الطاف احمدخان و نیازی خالد ابراهیم‌خان به‌قصد سیاحت و جهانگردی در خاورمیانه با موتورسیکلت از لاهور [...] در ۳۲/۸/۳۰ به نیشابور وارد و امروز پس از بازدید قبر حکیم عمر به طهران عزیمت نمودند.» (همان، ۱۳۳۲: ۴/۷۱) مشخصاً به سبب شهرت خیام نیشابوری در جهان

به‌واسطه ترجمه رباعیاتش توسط فیتزجرالد، نقطهٔ قوت زیادی در عرصهٔ گردشگری به وجود آمده بود. به‌واسطه همین حضور گردشگران، بارها تبلیغات مهمانخانه‌ها در روزنامه درج می‌شد، چنانکه مهمانخانه‌های حقیقت و خیام به تبلیغ وسایل و امکانات خود می‌پرداختند. (همان، ۱۳۳۱: ۴/۱۷)

نتیجه

نشریهٔ صدای نیشابور که در بازهٔ زمانی ۱۳۳۱-۱۳۳۴ش منتشر شد، ازجمله منابع مهم برای شناخت شهر نیشابور و به‌طورکلی روح زمانه در ایران دورهٔ معاصر است. در این نوشته به تحولات مذهبی و فرهنگی پرداخته شد. تمرکز بر ۲۰۲ شماره از نشریه نشان داد که رویکرد روزنامه به مسائل مذهبی مشهود بوده و نقل حدیث، روایات و شعائر مذهبی تا قبل از کودتا ۲۸ مرداد، با مفاهیم سیاسی پیوند می‌خورد، اما بعد از کودتا، رنگ مذهبی و سنتی به خود گرفت. بااین‌حال، روزنامه با تأکید بر مذهب و دین به دنبال ارتقای آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازی بود. در این راستا بارها با تسامح مذهبی، جشن های غیراسلامی را به اقلیت های مسیحی ساکن در نیشابور، تبریک می گوید. از برنامه‌های آموزش و تحصیل دختران به‌طورجدی حمایت و علاوه بر درخواست تأسیس مدارس جدید، نوسازی در برنامه‌های آموزشی را نیز برای تربیت و پرورش دانش‌آموزان، امری الزامی تلقی می‌نماید و برنامه‌هایی در راستای بهبود برنامه های فرهنگی به مسئولین پیشنهاد می‌کند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۴). ***ایران بین دو انقلاب***. ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.
- الهی، حسین. (۱۳۸۰). ***روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران***. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۲). ***جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران***. تهران: علم.
- سلطانی‌مقدم، حمیده. (۱۳۹۳). ***برگزاری حج در دورهٔ پهلوی***. قم: مشعر.
- شیخ احمدی، سید محمد. (۱۳۹۷).« بررسی کارکردهای رسانه‌ای خطابه و منبر در عصر اول عباسی». ***پژوهشنامه تاریخ اسلام***. (شماره ۲۹)، ۱۱۵-۱۳۲.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۵). ***تاریخ سیاسی معاصر ایران***. ج۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ***نشریات***
- ***صدای نیشابور***. (۱۳۳۱ش). سال ۱، شماره ۱-۴، ۷، ۸، ۱۰-۱۵، ۱۷-۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۰، ۳۲-۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۳، ۴۵-۴۷، ۴۹.
- ***صدای نیشابور***. (۱۳۳۲ش). سال ۲، شماره ۵۲، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۰-۷۱، ۷۷-۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰.
- ***صدای نیشابور***. (۱۳۳۳ش). سال ۳، شماره ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰-۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۵.
- ***صدای نیشابور***. (۱۳۳۴ش). سال ۴، شماره ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸۲-۱۸۴.

References

- Brahamian, Ervand. (1384 [2005]). Iran Between Two Revolutions. Translated by Ahmad Golmohammadi. Tehran: Ney Publishing.
- Elahi, Hossein. (1380 [2001]). Newspaper and Journalism in Iran. Mashhad: Ferdowsi University.

- Jafarian, Rasul. (1392 [2013]). Religious–Political Currents and Organizations in Iran. Tehran: Elm Publishing.
- Soltani-Moqaddam, Hamideh. (1393 [2014]). The Administration of Hajj in the Pahlavi Era. Qom: Mash'ar.
- Sheikh Ahmadi, Seyyed Mohammad. (1397 [2018]). "An Examination of the Media Functions of Sermon and Pulpit in the First Abbasid Era." Journal of Islamic History Studies, no. 29, pp. 115–132.
- Madani, Seyyed Jalal al-Din. (1375 [1996]). Contemporary Political History of Iran, Vol. 1. Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami.
- Periodicals
- Seda-ye Neyshabur. (1331 [1952]). Year 1, issues 1–4, 7, 8, 10–15, 17–20, 22, 24, 30, 32–33, 34, 37, 43, 45–47, 49.
- Seda-ye Neyshabur. (1332 [1953]). Year 2, issues 52, 56, 58, 59, 61, 66, 67, 70–71, 77–78, 79, 80, 83, 86, 94, 96, 99, 102, 104, 105, 110.
- Seda-ye Neyshabur. (1333 [1954]). Year 3, issues 118, 123, 125–126, 129, 130–131, 134, 137–138, 149, 154, 157, 165.
- Seda-ye Neyshabur. (1334 [1955]). Year 4, issues 175–176, 182–184